

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's. M.

آئینه ایران

اکبر نوروزی
۱۵ دسمبر ۲۰۱۸

سازمان فدائیان خلق (اقلیت) و درک انحرافی اش از شوراهای کارگری

امر شرایط شکل گیری و ادامه کاری تشکلات مستقل کارگری و چگونگی ایجاد رابطه ارکانیگ نیروهای کمونیست با طبقه کارگر، یکی از مسائل و معضلات جنبش کمونیستی ایران بوده و هست. امروز هم در این مورد آشفتگی، بسیاری از نیروهای به اصطلاح چپ و کمونیست ایران را گرفته است که هنوز به یک انسجام فکری و نظری صحیحی دست نیافته اند.

واقعیت این است که جامعه تحت سلطه ایران به دلیل استبداد و دیکتاتوری عریان حاکم بر آن امکان به وجود آوردن ابتدائی ترین تشکل های مستقل کارگری و توده ئی را ندارد. این تشکل ها حتی اگر در شرایط خاصی به دلیل تضعیف دیکتاتوری هم شکل بگیرند، توسط رژیم های حاکم با اعمال قهر و سرکوب، دستگیری، زندان، بازداشت و شکنجه عناصر فعال مواجه شده و نمی توانند پایدار بمانند. تا کنون نیز به رغم سال ها مبارزه طبقه کارگر، هیچ تشکل کارگری تحت سلطه دیکتاتوری های حاکم نتوانسته است دوام بیاورد. یک نمونه از این واقعیت تشکل های صنفی می باشند که در سال ۱۳۵۷ با نام شورا در کارخانجات و مؤسسات دولتی شکل گرفتند. این تشکل ها در دوره ای که به دلیل قیام توده ها شرایط شبه دموکراسی در جامعه حاکم شد، به وجود آمدند. آن ها تشکل های کاملاً صنفی بودند و در همان زمان برخی از آن تشکل ها با مبارزات خود نتوانستند به بعضی از مطالبات خود دست پیدا کنند، امری که حق مسلم کارگران زحمتکش است. ولی دیدیم که وقتی رژیم دیکتاتور جمهوری اسلامی کاملاً بر اوضاع مسلط شد، با توسل به سرکوب، همه آن تشکل ها را از بین برد.

امروز بعد از خیزش زحمتکشان و گرسنگان در دیماه [جدی] ۱۳۹۶ که طی آن کارگران و زحمتکشان حدوداً در ۱۴۰ شهر و روستا در کشور با مبارزات انقلابی و قهر آمیز خود و با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، نان- کار- آزادی، ارکان رژیم جمهوری اسلامی را به لرزه در آوردند، شرایط جدید و یک دوره انقلابی در جامعه ما به وجود آمده است. در چنین شرایطی است که سازمان فدائیان خلق (اقلیت) در یکی از آخرین شماره های نشریه کار شماره ۷۸۷ به تاریخ ۵ شهریور [سنبله] در مقاله "پروژه عبث سندیکا سازی رژیم و شوراهای کنترول و نظارت کارگری" مطرح می کند که "بر بستر بحران انقلابی موجود و دورانی که از دی ماه [جدی] ۹۶ آغاز شده و مشخصه اصلی آن اعتلای جنبش

است، اعتصابات و خواست‌های کارگران نیز در حال تعمیق و گسترش است." و اضافه می‌کند که "خواست‌های سیاسی کارگران پر رنگ‌تر شده است. از درون همین مبارزات بی‌وقفه است که تشکلهای مستقل کارگری نطفه بسته و سر بر می‌آورند. تشکلهائی که پاسخگوی نیازهای مبارزه در لحظه فعلی باشند."

همانطور که ملاحظه می‌شود اقلیت وجود تشکلهای مستقل کارگری را "پاسخگوی نیازهای مبارزه در لحظه فعلی" قلمداد می‌کند. آیا این حکم درست است؟ آیا در شرایطی که توده‌های تحت ستم ایران به پاخاسته و خواهان نابودی رژیم حاکم هستند "نیازهای مبارزه در لحظه فعلی" می‌تواند چیزی جز تشدید مبارزه برای نابودی جمهوری اسلامی باشد؟ ما دیدیم که توده‌ها در جریان تظاهرات خشمگینانه خود چگونه به مراکز سرکوب و ستم رژیم حمله بردند و حتی مساجد را به آتش کشیدند. ما شاهد مبارزات انقلابی کشاورزان اصفهان، مبارزات انقلابی توده‌ها در اهواز، کازرون، تهران و نقاط مختلف کشور بوده و هستیم و می‌بینیم که کارگران و دیگر ستمدیدگان جامعه در مقابل نیروهای مسلح رژیم با جسارت انقلابی علیه نظام ستمگر موجود مبارزه کرده و خواهان از بین بردن رژیم ارتجاع و به وجود آوردن نظم نوین می‌باشند، آیا در چنین شرایطی این عقب‌ماندگی یک سازمان "چپ" نیست که کارگران را به مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی فرا نمی‌خواند، بلکه به آن‌ها می‌گوید که مبارزه برای ایجاد تشکلهای صنفی "پاسخگوی نیازهای مبارزه در لحظه فعلی" است؟ به عبارت دیگر سازمان اقلیت به کارگران می‌گوید شما کاری به سرنگونی جمهوری اسلامی نداشته باشید، بلکه سرتان را پائین انداخته و مشغول مبارزات صنفی خودتان بشوید. امروز در تداوم مبارزات قهر آمیز توده‌ها در دیماه [جدی] و رویدادهای خونین پس از آن، مبارزات توده‌ئی از جمله به صورت اعتصاب کامیون‌داران، بازنشستگان، معلمان و به طور کلی مبارزه تمام اقشار زحمتکش ادامه دارد و مردم مبارز در مقابل نیروهای مسلح و وحشی رژیم، در میدان مبارزه اند و علیه فقر و گرسنگی و سرکوب و بیکاری به هر تلاش انقلابی دست می‌زنند. آن‌ها خواستار یک نظم نوین هستند.

نکته مهم دیگر این است که در چنین شرایطی اقلیت که می‌گوید راه رسیدن به پیروزی قیام مسلحانه توده‌ئی می‌باشد، اگر واقعاً به این راه اعتقاد داشت می‌باید دست به کار شده و برای این قیام تدارک ببیند. به خصوص چون مدعی است که گویا نیروهائی در داخل کشور دارد پس باید از طریق آن نیروها اقدام به سازمان دادن مقاومت مسلحانه کارگران بنماید و از هم امروز زمینه را به قول لنین برای "یک ارتش انقلابی و حکومت انقلابی" آماده نماید. لنین در چنین شرایطی که در روسیه به وجود آمده بود در کتاب دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک می‌نویسد: "یقین است که ما هنوز باید برای تربیت و تشکلهای طبقه کارگر بسیار و بسیار کار کنیم، ولی اکنون تمام مطلب بر سر این است که مرکز ثقل عمده سیاسی این تربیت و این تشکل در کجا باید قرار گیرد؟ در اتحادیه‌ها و جمعیت‌های علنی یا در قیام مسلحانه و در کار ایجاد یک ارتش انقلابی و حکومت انقلابی؟" و البته پاسخ لنین شق دوم بوده و در سراسر کتاب به این امر تأکید می‌کند، چرا که مسأله اصلی هر انقلاب کسب قدرت سیاسی است.

سازمان فدائیان خلق (اقلیت) در کنگره سال ۱۳۶۰ برای دوران انقلابی و برای آن که به قیام برسیم به فقدان سه چیز اشاره می‌کند، ۱- حزب انقلابی پیشرو طبقه کارگر، ۲- جبهه واحد انقلابی توده‌ئی، ۳- ارتش مسلح. در این جا باید از این سازمان پرسید، حالا که جامعه ایران در دوره انقلابی به سر می‌برد، در این زمینه (سه مورد اشاره شده) تا به امروز چه عملکردهائی داشته اید، که در هیچ کجای تحلیل‌های سیاسی و مواضع شما دیده نمی‌شود؟ اقلیت امروز دیگر حرف‌های آن سال‌های خود را نمی‌زند و امروز گوئی که شرایط جامعه بعد از قیام‌های دی‌ماه [جدی] با گذشته هیچ فرقی نکرده است، بر همان راه و روشی تأکید می‌کند که قبل از این می‌کرد و در شرایطی که تمام جامعه را مبارزات انقلابی کارگران و توده‌های زحمتکش فرا گرفته است و مردم با مبارزات خونین شان خواستار شرایط نوین

و از بین بردن نظام حاکم هستند ، این سازمان همچنان به تکرار همان شعارهایی که در دوران آرام مبلغ آن بود ادامه داده و چنان غرق اکونومیسم خویش است که ایجاد تشکل های مستقل کارگری را "پاسخگوی نیازهای مبارزه در لحظه فعلی" جا می زند.

اقلیت و "شوراهای کنترل و نظارت کارگری"

در مقاله "پروژه عبث سندیکا سازی رژیم و شوراهای کنترل و نظارت کارگری"، اقلیت مطرح می کند که "کارگران هفت تپه فعال تر از گذشته، آستین ها را بالا زده، خود دست به کار شده و با تشکیل شورای مستقل کارگری، مصمم اند کنترل و نظارت بر شرکت و عملکرد کارفرما و مدیریت را به مرحله اجرا بگذارند." و با اشاره به صحبت های یکی از کارگران در گروه ملی فولاد اهواز در این زمینه نتیجه می گیرد که "در تمام کارخانه ها و شرکت های مشابه... کارگران نیز می توانند با ایجاد شوراهای مستقل کارگری کنترل و نظارت بر تولید و توزیع را برقرار سازند."

شکی در این نیست که داشتن تشکل های مستقل کارگری حق طبیعی کارگران و زحمتکشان است و برای به دست آوردن آن هیچ راهی به جز مبارزه نمی تواند وجود داشته باشد. تشکل های مستقل کارگری می توانند وسیله ای در دست کارگران برای چک و چانه زدن با سرمایه داران باشند تا کارگران بتوانند در شرایط مصیبت بار زندگی شان اندکی تغییر ایجاد کنند. اما واقعیت این است که بهترین تشکل های این چنینی قادر به از بین بردن فقر و فلاکت کارگران و خانواده آنان و رهائی کارگران از استثمار سرمایه داران نمی توانند باشند. بنابراین اگر چه یکی از وظایف روشنفکران کمونیست دفاع از حقوق کارگران برای ایجاد تشکل های صنفی و کارگری برای زندگی بهتر است، اما وظیفه اساسی کمونیست ها انجام اقداماتی است که به تشکل سیاسی طبقه کارگر در حزب خود و کسب قدرت سیاسی به دست این طبقه منجر شود. در حالی که اقلیت چه دیروز و چه در شرایط تغییر یافته امروز، نه به هیچ اقدامی در رابطه با این وظیفه اصلی دست می زند و نه در باره آن ها سخن می گوید و توجهش صرفاً به مسایل صنفی کارگران و مبارزه اکونومیستی می باشد.

اما پرسیدنی است که در چه شرایطی امکان به وجود آمدن تشکل های مستقل کارگری وجود دارد؟ در شرایطی که دیکتاتوری رژیم حاکم از ایجاد کوچکترین تشکل های صنفی کارگری جلوگیری کرده و با سرکوب و دیکتاتوری جلو هر گونه تشکل مبارزاتی را می گیرد، آیا می توان تحت سلطه این رژیم خونخوار انتظار داشت؟ طبیعی است که پاسخ به مستقل کارگری و یا اگر تحت شرایط خاصی به وجود بیایند ، پایداری آن ها را انتظار داشت؟ طبیعی است که پاسخ به این سوالات در شرایط دیکتاتوری منفی می باشد. خوب در چنین شرایطی وظیفه نیروهای کمونیست و انقلابی چه می تواند باشد؟ مگر نه این که در اولین قدم باید در جهت بر انداختن دیکتاتوری حاکم به مبارزه گام برداشت و با از بین بردن سایه شوم دیکتاتوری، شرایط نوینی را در جامعه به وجود آورد تا امکان بر پائی چنین تشکل هایی را در جامعه داشته باشیم؟ آری در جریان مبارزه علیه دیکتاتوری حاکم و ایجاد شرایط نوین مبارزاتی است که می شود آگاهی سوسیالیستی را به میان کارگران و زحمتکشان بُرد و کارگران را در جریان یک مبارزه سیاسی - نظامی از قدرت لازم برخوردار کرد تا بتوانند قدرت سیاسی را به دست آورند. در حالی که فدائیان خلق (اقلیت) علی رغم اعتراف به دیکتاتوری رژیم در جامعه و تشدید آن قادر به تشخیص واقعیات عینی جامعه نیست و یا نمی خواهد باشد و هنوز در همان تفکرات ذهنی گذشته خود باقی مانده است.

اقلیت در ادامه مقاله خود یک بار دیگر شاهکار تفکرات غیر واقعی خود را به نمایش می گذارد و با مثالی که از شورای کارگران هفت تپه می آورد مطرح می کند که: "وقتی که نمایندگان کارگران هفت تپه از ضرورت تشکیل شوراهای مستقل کارگری و نظارت و عملکرد کارفرما و مدیریت سخن می گوید ، و بار ها آن را تکرار می کند ، وقتی تنها راه نجات از "فساد نهادینه شده در کشور" و وضعیت نا بسامانی اقتصادی را تشکیل شوراهای مستقل کارگری و مردمی و نظارت بر کار دولت و نهادهای دولتی ذکر می کند، او در واقع ضمن این که دولت جمهوری اسلامی را نشانه می رود، برای رهائی کشت و صنعت نیشکر هفت تپه از وضع موجود، راهکار مناسبی را که کارگران هفت تپه در عمل به آن رسید اند، مطرح می کند." آیا براستی شورای تشکیل شده در هفت تپه در شرایط سلطه رژیم جمهوری اسلامی قادر به "نظارت بر کار دولت و نهادهای دولتی" می باشد؟ پاسخ از طرف اقلیت مثبت است. واضح است که اقلیت در این جا حقیقت را کتمان کرده و به کارگران نمی گوید که در شرایط کنونی و در شرایط سلطه جمهوری اسلامی ، کارگران از قدرت لازم برای اعمال نظارت بر کار دولت و نهادهای دولتی برخوردار نیستند و دلیلی هم ندارد که رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی چنین اجازه ای به آن ها بدهد. واضح است که اقلیت در این جا حقیقت را کتمان کرده و به کارگران نمی گوید که در زیر سلطه رژیم دیکتاتور جمهوری اسلامی این توهم است و فقط در صورت مبارزه جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و شکاف انداختن در دیکتاتوری حاکم است که کارگران موفق به تشکیل شوراهای واقعی خود خواهند شد. شوراهائی که وسیله اعمال حاکمیت طبقه کارگر خواهند بود.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۲۳۲ ، آبان ماه [عقرب] ۱۳۹۷